



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و دانشگاهی
Scientific Information Database



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	دوره انتشار	صفحات	۱-۱۷
------------	------	--------------	-------------	-------	------

حمایت حقوقی از کودکان متولد از رحم جایگزین در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس

آقای اسماعیل محمدی و آقای دکتر حمید بذریاچ

دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

دانشیار، عضو هیأت علمی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

پدیده رحم جایگزین به عنوان یکی از روش‌های نوین کمک باروری، پرسش‌های مهمی را درباره وضعیت و حمایت حقوقی از کودک متولد شده در نظام‌های مختلف حقوقی مطرح کرده است. هدف این پژوهش، بررسی و مقایسه شیوه‌های حمایت حقوقی از کودکان متولد از رحم جایگزین در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس و ارزیابی میزان کارآمدی هر یک در تضمین منافع عالی کودک است. سؤال اصلی پژوهش آن است که هر یک از این دو نظام حقوقی چگونه وضعیت نسب، هویت و حقوق بنیادین کودک متولد از رحم جایگزین را تعیین و حمایت می‌کنند و چه تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد؟ روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسناد قانونی، منابع فقهی و حقوقی و بررسی تطبیقی مقررات دو کشور است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حقوق ایران به دلیل فقدان قانون جامع درباره رحم جایگزین، حمایت از کودک عمدتاً بر پایه تفسیر قواعد فقهی، قانون مدنی و رویه‌های قضایی صورت می‌گیرد که ممکن است با ابهاماتی همراه باشد؛ در حالی که در نظام حقوقی انگلیس با پیش‌بینی سازوکارهایی نظیر صدور «دستور والدینی» و تعیین صریح والدین قانونی، وضعیت کودک با شفافیت بیشتری مشخص می‌شود. در نتیجه، به نظر می‌رسد تدوین مقررات جامع و صریح در حقوق ایران می‌تواند در راستای تضمین بهتر منافع و حقوق کودکان متولد از رحم جایگزین مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: رحم جایگزین، حمایت حقوقی کودک، نسب و هویت، حقوق تطبیقی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



طبقه‌بندی : JEL فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



Legal Protection for Children Born via Surrogacy in the Legal Systems of Iran and England

Abstract

Surrogacy, as a modern assisted reproductive technology, has raised significant questions regarding the legal status of—and legal protections afforded to—children born through this practice across various legal systems. This research aims to examine and compare the legal protection mechanisms for children born via surrogacy within the legal systems of Iran and England, while evaluating the effectiveness of each in safeguarding the child's best interests. The central research question asks how each of these legal systems determines and protects the status of parentage, identity, and fundamental rights of children born through surrogacy, and what differences exist between them. Employing a descriptive-analytical methodology, this study draws upon legal documents, jurisprudential and legal sources, and a comparative analysis of the regulations in both countries. The findings indicate that in Iranian law—due to the absence of comprehensive legislation on surrogacy—the protection of the child relies primarily on the interpretation of jurisprudential rules, the Civil Code, and judicial precedents, an approach that may be subject to ambiguity. In contrast, the English legal system provides greater clarity regarding the child's status through mechanisms such as the issuance of "parental orders" and the explicit designation of legal parents. Consequently, it appears that the enactment of comprehensive and explicit regulations within Iranian law could prove effective in better ensuring the interests and rights of children born through surrogacy.

Keywords: Surrogacy, legal protection of the child, parentage and identity, comparative law



متن مقاله

قضایای مورد بررسی قرار می‌گیرد. این وضعیت ممکن است در برخی موارد موجب ابهام در تعیین حقوق و تکالیف طرفین و همچنین وضعیت حقوقی کودک شود. در مقابل، در نظام حقوقی انگلیس تلاش شده است با وضع مقررات مشخص در حوزه فناوری‌های کمک‌باروری، چارچوب قانونی روشنی برای موضوع رحم جایگزین فراهم شود. در این نظام، با پیش‌بینی سازوکارهایی مانند صدور «دستور والدینی» از سوی دادگاه، امکان انتقال وضعیت والدینی از مادر جانشین به والدین متقاضی فراهم شده و بدین ترتیب وضعیت حقوقی کودک با شفافیت بیشتری تعیین می‌شود.

با توجه به اهمیت حمایت از حقوق کودک و نیز گسترش استفاده از روش‌های نوین باروری، بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی مختلف می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر نظام کمک کند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه حمایت حقوقی از کودکان متولد از رحم جایگزین در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس انجام شده است تا از رهگذر این مطالعه تطبیقی، راهکارهایی برای تقویت حمایت قانونی از این کودکان در حقوق ایران ارائه شود.

ماهیت حقوقی رحم جایگزین در نظام‌های حقوقی

پیشرفت‌های چشمگیر علوم پزشکی در حوزه فناوری‌های کمک‌باروری، امکان فرزندآوری را برای بسیاری از زوج‌هایی که با مشکل ناباروری مواجه هستند فراهم کرده است. یکی از مهم‌ترین این روش‌ها «رحم جایگزین» است که در آن زن دیگری به درخواست والدین متقاضی، جنین را در رحم خود حمل می‌کند و پس از تولد، کودک را به آنان تحویل می‌دهد. این پدیده که در ادبیات حقوقی با عنوان «Surrogacy» شناخته می‌شود، از جمله موضوعاتی است که در سال‌های اخیر در حوزه حقوق خانواده و حقوق پزشکی مورد توجه گسترده قرار گرفته است؛ زیرا علاوه بر ابعاد پزشکی، آثار حقوقی مهمی در زمینه نسب، هویت و مسئولیت‌های والدینی

تحولات گسترده علمی در حوزه پزشکی و فناوری‌های نوین باروری در دهه‌های اخیر، زمینه‌های تازه‌ای برای درمان ناباروری و تحقق خواسته زوج‌های فاقد فرزند فراهم کرده است. یکی از مهم‌ترین این روش‌ها «رحم جایگزین» است که در آن زن دیگری با رضایت خود، جنین حاصل از گامت‌های زوجین یا افراد متقاضی را در رحم خود پرورش می‌دهد و پس از تولد، کودک را به آنان تحویل می‌دهد. استفاده از این روش، هرچند از نظر پزشکی راهکاری مؤثر برای حل مشکل ناباروری به شمار می‌آید، اما در حوزه حقوقی پرسش‌ها و چالش‌های متعددی را نیز به همراه داشته است. از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به تعیین وضعیت نسب کودک، شناسایی والدین قانونی، نحوه ثبت هویت و تابعیت، مسئولیت‌های والدینی و تضمین حقوق و منافع عالیه کودک اشاره کرد.

در بسیاری از موارد، اختلاف میان والدین ژنتیکی، مادر جانشین یا حتی نهادهای دولتی می‌تواند وضعیت حقوقی کودک را با ابهام مواجه کند. از این رو، حمایت از کودکان متولد از رحم جایگزین به یکی از موضوعات مهم در حقوق خانواده و حقوق پزشکی تبدیل شده است. اصل حمایت از کودک و رعایت منافع عالیه او، که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته، اقتضا می‌کند که نظام‌های حقوقی با وضع مقررات روشن و کارآمد، وضعیت حقوقی این کودکان را به‌طور دقیق مشخص کنند و از بروز اختلافات احتمالی جلوگیری نمایند.

در نظام حقوقی ایران، اگرچه استفاده از برخی روش‌های کمک‌باروری با استناد به مبانی فقهی و مقرراتی مانند قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مورد پذیرش قرار گرفته است، اما در خصوص رحم جایگزین قانون جامع و صریحی وجود ندارد. به همین دلیل، بسیاری از مسائل مرتبط با آن از طریق استنباط فقهی، قواعد عمومی حقوق مدنی و گاه رویه‌های



معتبر خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۸۱). با این حال، گروهی دیگر معتقدند که به دلیل ارتباط مستقیم این موضوع با کرامت انسانی، حقوق کودک و نظم عمومی، نمی توان آن را صرفاً در قالب یک قرارداد خصوصی تحلیل کرد و لازم است مقررات ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شود (صفایی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۷).

در حقوق ایران، قانون خاصی که به طور مستقیم به موضوع رحم جایگزین بپردازد وجود ندارد. با این حال، برخی از قواعد عمومی حقوق مدنی و همچنین مبانی فقهی برای تحلیل این موضوع مورد استفاده قرار می گیرند. اصل آزادی قراردادهای که در ماده ۱۰ قانون مدنی پیش بینی شده است، به اشخاص اجازه می دهد قراردادهایی منعقد کنند که مخالف صریح قانون نباشد. برخی از حقوقدانان با استناد به این اصل، قرارداد رحم جایگزین را در صورت رعایت شرایط شرعی و قانونی قابل پذیرش دانسته اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۹۴).

در مقابل، برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که چنین توافقی ممکن است موجب بروز مشکلاتی در تعیین نسب و هویت کودک شود. در فقه اسلامی، نسب یکی از مسائل مهم و حساس محسوب می شود و هرگونه ابهام در این زمینه می تواند پیامدهای حقوقی و اجتماعی مهمی داشته باشد. به همین دلیل، برخی از فقها نسبت به پذیرش بی قید و شرط رحم جایگزین احتیاط کرده اند و ضرورت وضع مقررات مشخص در این زمینه را مطرح کرده اند (امامی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۱).

از سوی دیگر، تصویب «قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» در سال ۱۳۸۲ نشان دهنده توجه قانون گذار ایرانی به موضوع روش های کمک باروری است. هرچند این قانون به طور مستقیم به رحم جایگزین اشاره نمی کند، اما نشان می دهد که قانون گذار اصل استفاده از فناوری های نوین باروری را برای کمک به زوجین نابارور پذیرفته است. بر اساس این

ایجاد می کند

(Jackson, ۲۰۱۶, p.۱۰۲)

در تعریف حقوقی، رحم جایگزین به توافقی اطلاق می شود که به موجب آن زنی متعهد می شود جنینی را برای شخص یا زوج دیگری در رحم خود پرورش دهد و پس از تولد کودک، وی را به آنان واگذار کند. این توافق ممکن است به صورت رایگان یا در مقابل دریافت هزینه انجام شود. از منظر حقوقی، این رابطه نوعی رابطه پیچیده میان سه عنصر اصلی یعنی مادر حامل، والدین متقاضی و کودک متولد شده ایجاد می کند که هر یک دارای حقوق و تکالیف خاصی هستند

از نظر پزشکی و حقوقی معمولاً میان دو نوع رحم جایگزین تمایز قائل می شوند. نخست «رحم جایگزین سنتی» که در آن مادر جایگزین از تخمک خود برای تشکیل جنین استفاده می کند و در نتیجه از نظر ژنتیکی نیز مادر کودک محسوب می شود. نوع دوم «رحم جایگزین بارداری» است که در آن جنین از تخمک و اسپرم زوجین متقاضی یا اهداکنندگان تشکیل می شود و مادر حامل تنها وظیفه حمل و پرورش جنین را بر عهده دارد. در اغلب نظام های حقوقی امروزی، نوع دوم بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد؛ زیرا مشکلات مربوط به تعیین نسب و والدین قانونی در آن کمتر است

(Horsey & Rackley, ۲۰۱۵, p.۱۳۶)

یکی از مهم ترین مباحث حقوقی در این زمینه، تعیین ماهیت حقوقی توافق مربوط به رحم جایگزین است. برخی از حقوقدانان این توافق را نوعی قرارداد خصوصی میان طرفین می دانند که بر اساس اصل آزادی قراردادهای منعقد می شود. بر اساس این دیدگاه، همان گونه که افراد می توانند در چارچوب قانون قراردادهای مختلفی منعقد کنند، توافق درباره حمل جنین نیز در صورتی که مخالف قانون و اخلاق حسنه نباشد،



در تقاطع علم پزشکی و حقوق قرار دارد و به دلیل آثار مهمی که بر روابط خانوادگی و وضعیت حقوقی کودک دارد، نیازمند تنظیم دقیق قانونی است. تجربه برخی کشورها نشان می‌دهد که نبود مقررات روشن می‌تواند موجب بروز اختلافات پیچیده درباره نسب، حضانت و مسئولیت‌های والدینی شود. بنابراین بررسی ماهیت حقوقی رحم جایگزین و تدوین قواعد مناسب برای آن، نقش مهمی در حمایت از حقوق کودک و حفظ نظم حقوقی در جامعه ایفا می‌کند.

مبانی حمایت از حقوق کودکان متولد از رحم جایگزین

حمایت از حقوق کودکان متولد از روش‌های کمک‌باروری، به‌ویژه رحم جایگزین، یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق خانواده معاصر محسوب می‌شود. با گسترش استفاده از این روش‌ها، ضرورت توجه به وضعیت حقوقی کودک بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، اصل اساسی در برخورد با چنین پدیده‌هایی، رعایت «منافع عالی‌ه کودک» است. این اصل که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته، ایجاب می‌کند که در هر تصمیم یا مقرره‌ای که به کودک مربوط می‌شود، حفظ منافع و رفاه او در اولویت قرار گیرد

(Alston & Tobin, ۲۰۰۵, p. ۹۷)

یکی از مهم‌ترین مبانی حمایت از کودکان متولد از رحم جایگزین، اصل کرامت انسانی است. بر اساس این اصل، هر کودک صرف‌نظر از نحوه تولد، دارای شخصیت حقوقی مستقل و شایسته برخورداری از حقوق بنیادین است. بنابراین، نحوه انعقاد توافق میان والدین متقاضی و مادر جایگزین نباید موجب خدشه به جایگاه انسانی کودک شود. بسیاری از حقوقدانان تأکید کرده‌اند که کودک نباید صرفاً به عنوان موضوع یک قرارداد تلقی شود، بلکه باید به عنوان شخصی دارای حقوق مستقل مورد حمایت قرار گیرد در حقوق ایران نیز حمایت از حقوق کودک ریشه در مبانی فقهی و

قانون، زوجین نابارور می‌توانند با شرایط خاصی از جنین‌اهدایی استفاده کنند و کودک متولد شده از حمایت قانونی برخوردار خواهد بود (صفایی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۵).

در نظام حقوقی انگلیس، موضوع رحم جایگزین از دهه ۱۹۸۰ به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. قانون «Surrogacy Arrangements Act ۱۹۸۵» نخستین قانونی بود که به تنظیم روابط مربوط به رحم جایگزین پرداخت. بر اساس این قانون، انجام قراردادهای تجاری رحم جایگزین ممنوع اعلام شد، اما اصل این روش به طور کامل منع نگردید

(McLean & McCall Smith, ۲۰۱۳, p. ۳۰۲)

پس از آن، قانون «Human Fertilisation and Embryology Act ۱۹۹۰» و اصلاحات بعدی آن در سال ۲۰۰۸ چارچوب دقیق‌تری برای فناوری‌های کمک‌باروری ایجاد کردند. بر اساس این مقررات، زن زایمان‌کننده در ابتدا از نظر قانونی مادر کودک محسوب می‌شود، حتی اگر از نظر ژنتیکی با کودک ارتباطی نداشته باشد. با این حال، دادگاه می‌تواند با صدور «دستور والدینی» وضعیت والدینی را به والدین متقاضی منتقل کند. این دستور زمانی صادر می‌شود که شرایطی مانند رضایت مادر جایگزین و تأمین منافع کودک احراز شود

(Jackson, ۲۰۱۶, p. ۱۰۴)

وجود چنین سازوکارهایی در حقوق انگلیس موجب شده است که وضعیت حقوقی کودک متولد از رحم جایگزین با شفافیت بیشتری مشخص شود. این امر علاوه بر کاهش اختلافات احتمالی میان طرفین، موجب می‌شود که حقوق و منافع کودک نیز بهتر مورد حمایت قرار گیرد. بسیاری از حقوقدانان معتقدند که وجود مقررات صریح در این زمینه می‌تواند از بروز مشکلات عملی و قضایی جلوگیری کند رحم جایگزین پدیده‌ای است که



کودکان مطرح شده است. بر اساس ماده ۳ این کنوانسیون، در تمام اقدامات مربوط به کودکان، منافع عالیه کودک باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد

UN Convention on the Rights of the Child, ۱۹۸۹, art.۳(

در نظام حقوقی انگلیس نیز اصل منافع کودک جایگاه بسیار مهمی دارد. دادگاه‌های انگلیس در رسیدگی به دعاوی مربوط به رحم جایگزین، همواره تلاش می‌کنند تصمیماتی اتخاذ کنند که بیشترین سود را برای کودک داشته باشد. به همین دلیل، در مواردی که اختلافی میان مادر جایگزین و والدین متقاضی ایجاد شود، دادگاه با بررسی شرایط موجود و در نظر گرفتن منافع کودک، درباره تعیین والدین قانونی تصمیم‌گیری می‌کند

یکی از ابزارهای مهم در حقوق انگلیس برای حمایت از کودک متولد از رحم جایگزین، صدور «دستور والدینی» است. بر اساس قانون Human Fertilisation and Embryology Act ۲۰۰۸، والدین متقاضی می‌توانند پس از تولد کودک از دادگاه درخواست صدور این دستور را کنند. در صورت احراز شرایط قانونی و رضایت مادر جایگزین، دادگاه می‌تواند والدین متقاضی را به عنوان والدین قانونی کودک شناسایی کند. هدف از این سازوکار، ایجاد ثبات حقوقی برای کودک و جلوگیری از بروز اختلافات آینده است

علاوه بر این، حمایت از هویت کودک نیز از دیگر مبانی مهم در این حوزه محسوب می‌شود. هر کودک حق دارد هویت مشخصی داشته باشد و از حمایت‌های قانونی لازم برخوردار شود. در موارد مربوط به رحم جایگزین، تعیین دقیق هویت و ثبت قانونی تولد کودک اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این امر در بهره‌مندی او از حقوقی مانند تابعیت، ارث و حمایت‌های اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند

حقوقی دارد. در فقه اسلامی، کودک از زمان تولد دارای حقوق مشخصی است و والدین و جامعه مکلف به رعایت این حقوق هستند. از جمله این حقوق می‌توان به حق حیات، حق نسب، حق حضانت و حق نفقه اشاره کرد. فقه‌های اسلامی همواره بر ضرورت حفظ نسب صحیح و جلوگیری از اختلاط نسب تأکید کرده‌اند، زیرا نسب از مهم‌ترین عوامل تعیین هویت فرد در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. در حقوق مدنی ایران نیز قواعد متعددی برای حمایت از کودکان پیش‌بینی شده است. برای مثال، مواد مختلف قانون مدنی درباره نسب، حضانت و ولایت قهری، چارچوب حقوقی حمایت از کودک را مشخص می‌کنند. بر اساس این مقررات، کودک از لحظه تولد دارای حقوقی است که باید از سوی والدین و جامعه مورد احترام قرار گیرد. در این میان، تعیین نسب کودک نقش بسیار مهمی در بهره‌مندی او از حقوق قانونی مانند ارث، نفقه و حمایت خانوادگی دارد (صفایی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲).

در مورد کودکان متولد از رحم جایگزین، مسئله نسب یکی از مهم‌ترین موضوعات حقوقی محسوب می‌شود. در چنین مواردی ممکن است میان مادر ژنتیکی، مادر حامل و مادر قانونی تمایز ایجاد شود. این وضعیت می‌تواند موجب بروز اختلافاتی در تعیین والدین قانونی کودک شود. از این رو، بسیاری از حقوقدانان بر ضرورت وضع مقررات مشخص برای تعیین نسب و هویت این کودکان تأکید کرده‌اند تا از بروز مشکلات حقوقی در آینده جلوگیری شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲).

یکی دیگر از مبانی مهم حمایت از کودک، اصل مصلحت کودک است. این اصل که در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است، بیان می‌کند که در هر تصمیمی که درباره کودک اتخاذ می‌شود، باید منافع او بر سایر ملاحظات ترجیح داده شود. در اسناد بین‌المللی مانند «کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹» نیز این اصل به عنوان یکی از اصول بنیادین حمایت از



«طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر آنکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.» این ماده نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، اصل بر الحاق طفل به شوهر مادر است. در واقع قانون‌گذار برای حفظ ثبات خانواده و جلوگیری از اختلافات، اماره فراش را به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تعیین نسب پذیرفته است. اما در مورد رحم جایگزین، وضعیت متفاوت است؛ زیرا ممکن است زن حامل، همسر مرد صاحب اسپرم نباشد و در نتیجه اماره فراش قابل اعمال نباشد.

از سوی دیگر، در فقه اسلامی و حقوق ایران، نسب پدری معمولاً با سه روش اصلی یعنی اقرار، اماره فراش و بینه قابل اثبات است. در مواردی که جنین از اسپرم مرد و تخمک همسر او تشکیل شده باشد و تنها حمل جنین توسط زن دیگری انجام شود، بسیاری از فقها و حقوقدانان معتقدند که نسب کودک به والدین ژنتیکی تعلق دارد؛ زیرا عنصر اصلی در ایجاد نسب، پیوند ژنتیکی میان کودک و والدین است. در این دیدگاه، مادر واقعی کسی است که تخمک از او تشکیل شده و نه زنی که صرفاً جنین را در رحم خود پرورش داده است (صفایی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵). با این حال، در میان حقوقدانان درباره تعیین مادر قانونی کودک در رحم جایگزین اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که مادر واقعی همان زن زایمان‌کننده است؛ زیرا در متون فقهی و حتی در برخی آیات قرآن کریم، مادر به عنوان زنی معرفی شده است که کودک را حمل کرده و به دنیا آورده است. بر اساس این دیدگاه، نقش بارداری و زایمان در شکل‌گیری رابطه مادری اهمیت اساسی دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. بنابراین در این نظر، مادر حامل ممکن است از نظر حقوقی مادر کودک شناخته شود (امامی، ۱۳۷۶، ص ۳۹۵).

در مقابل، گروهی دیگر از حقوقدانان معتقدند که مادر ژنتیکی باید به

Scott & Williams, ۲۰۱۷, p (۲۲۵)

از منظر حقوق تطبیقی، بررسی نظام‌های مختلف نشان می‌دهد که کشورهای که مقررات مشخص‌تری در زمینه رحم جایگزین دارند، توانسته‌اند حمایت مؤثرتری از حقوق کودکان متولد از این روش فراهم کنند. وجود قواعد روشن درباره تعیین والدین قانونی، ثبت هویت و مسئولیت‌های والدینی، باعث می‌شود که وضعیت حقوقی کودک از ابتدا مشخص باشد و از بروز اختلافات پیچیده در آینده جلوگیری شود. در نهایت می‌توان گفت که حمایت از حقوق کودکان متولد از رحم جایگزین بر مجموعه‌ای از اصول و مبانی حقوقی استوار است که مهم‌ترین آن‌ها شامل کرامت انسانی، حفظ نسب، اصل مصلحت کودک و حمایت از هویت قانونی او است. توجه به این مبانی می‌تواند به قانون‌گذاران کمک کند تا مقرراتی تدوین کنند که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای ناشی از پیشرفت‌های پزشکی، از حقوق و منافع کودکان نیز به طور مؤثر حمایت کند.

تعیین نسب و هویت کودک در رحم جایگزین در حقوق ایران یکی از مهم‌ترین مسائل حقوقی در حوزه رحم جایگزین، تعیین نسب و هویت کودک متولد شده از این روش است. نسب در حقوق ایران از مفاهیم بنیادین حقوق خانواده محسوب می‌شود و آثار حقوقی گسترده‌ای مانند ارث، نفقه، حضانت و ولایت بر آن مترتب است. به همین دلیل، هرگونه ابهام در تعیین نسب می‌تواند پیامدهای حقوقی و اجتماعی قابل توجهی ایجاد کند. در روش رحم جایگزین، به دلیل حضور بیش از یک زن در فرایند تولد کودک، یعنی مادر ژنتیکی و مادر حامل، این پرسش مطرح می‌شود که کدام یک از آنان از نظر حقوقی مادر کودک محسوب می‌شوند. در حقوق مدنی ایران، نسب معمولاً از طریق رابطه طبیعی میان پدر و مادر با کودک شکل می‌گیرد. ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد:



ممکن است در آینده مشکلاتی در زمینه ارث، ولایت و حضانت ایجاد شود. به همین دلیل، شفاف بودن وضعیت حقوقی کودک از همان زمان تولد اهمیت زیادی دارد.

از منظر حقوقی، هدف اصلی در تعیین نسب و هویت کودک باید حمایت از منافع او باشد. کودک نقشی در انتخاب روش تولد خود ندارد و نباید به دلیل استفاده از فناوری‌های کمک‌باروری از حقوق اساسی محروم شود. بنابراین، بسیاری از حقوقدانان معتقدند که در صورت تعارض میان منافع بزرگسالان و منافع کودک، باید منافع کودک در اولویت قرار گیرد.

با توجه به افزایش استفاده از روش رحم جایگزین در ایران، به نظر می‌رسد که خلأ قانونی در این زمینه می‌تواند مشکلاتی در آینده ایجاد کند. نبود مقررات صریح ممکن است موجب بروز اختلاف میان مادر حامل و والدین ژنتیکی یا حتی مشکلاتی در ثبت هویت کودک شود. از این رو، تدوین قانون جامع درباره روش‌های کمک‌باروری و به‌ویژه رحم جایگزین می‌تواند نقش مهمی در رفع ابهامات موجود و حمایت بهتر از حقوق کودک ایفا کند. مسئله تعیین نسب و هویت کودک در رحم جایگزین یکی از پیچیده‌ترین مسائل حقوق خانواده در عصر حاضر است. حقوق ایران با وجود اتکا به مبانی فقهی و قواعد سنتی نسب، هنوز قانون مشخصی برای حل کامل این مسئله ندارد. بنابراین، مطالعه تجربیات سایر نظام‌های حقوقی و تدوین مقررات مناسب می‌تواند به ایجاد چارچوب حقوقی روشن‌تری در این حوزه کمک کند.

آثار حقوقی نسب کودک متولد از رحم جایگزین

پس از تعیین نسب، مهم‌ترین مسئله در حقوق کودک متولد از رحم جایگزین بررسی آثار حقوقی مترتب بر این رابطه است. در حقوق ایران، نسب تنها یک رابطه زیستی یا عاطفی نیست، بلکه منشأ مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف قانونی میان والدین و کودک محسوب می‌شود. زمانی که

عنوان مادر قانونی شناخته شود، آنان استدلال می‌کنند که در روش‌های جدید باروری، عنصر اصلی در ایجاد کودک همان ترکیب گامت‌های زن و مرد است و رحم تنها محیطی برای رشد جنین محسوب می‌شود. بنابراین، اگر جنین از تخمک زن متقاضی و اسپرم همسر او تشکیل شده باشد، باید نسب کودک به همان زوج تعلق گیرد، حتی اگر حمل جنین توسط زن دیگری انجام شده باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۲۵). در عمل نیز بسیاری از مراکز درمان ناباروری در ایران، رحم جایگزین را با این فرض انجام می‌دهند که کودک متعلق به والدین ژنتیکی است. معمولاً پیش از انجام این فرایند، قراردادی میان زوجین متقاضی و زن حامل تنظیم می‌شود که در آن مادر جایگزین متعهد می‌شود پس از تولد کودک، او را به والدین ژنتیکی تحویل دهد و ادعایی نسبت به حضانت یا مادری نداشته باشد. هرچند چنین قراردادهایی در عمل رایج است، اما به دلیل نبود قانون صریح درباره رحم جایگزین، اعتبار و آثار حقوقی آن‌ها همواره مورد بحث بوده است.

مسئله مهم دیگر در این زمینه، ثبت هویت کودک است. پس از تولد کودک از رحم جایگزین، باید مشخص شود که نام چه افرادی به عنوان والدین در شناسنامه ثبت خواهد شد. در برخی موارد، با توجه به مدارک پزشکی و توافق طرفین، نام زوجین متقاضی به عنوان والدین در اسناد رسمی ثبت می‌شود. با این حال، نبود مقررات مشخص ممکن است در مواردی موجب بروز اختلاف یا مشکلات اداری شود. از این رو، بسیاری از حقوقدانان بر ضرورت وضع قوانین روشن برای تعیین وضعیت هویت این کودکان تأکید کرده‌اند.

علاوه بر مسئله نسب، تعیین هویت حقوقی کودک نیز اهمیت زیادی دارد. هویت حقوقی شامل عناصری مانند نام، تابعیت و وابستگی خانوادگی است. در صورتی که وضعیت نسب کودک به طور دقیق مشخص نشود،



از قواعد مربوط به نظم عمومی است و توافق خصوصی نمی‌تواند برخلاف مصلحت کودک معتبر باشد (امامی، ۱۳۷۶، ص ۳۹۸). در عمل، گرایش غالب در حقوق ایران آن است که حضانت کودک به والدین ژنتیکی سپرده شود، به ویژه در مواردی که تخمک و اسپرم متعلق به آنان باشد و مادر جایگزین صرفاً نقش حمل جنین را ایفا کرده باشد. این رویکرد بیشتر با مصلحت کودک و نیز واقعیت‌های زیستی و خانوادگی سازگار دانسته می‌شود.

۲. ولایت قهری

از دیگر آثار مهم نسب در حقوق ایران، ولایت قهری است. ولایت قهری به معنای اختیار قانونی پدر و جد پدری در اداره امور مالی و حقوقی طفل است. ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد که طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود قرار دارد. این ولایت به طور مستقیم از قانون ناشی می‌شود و نیازی به توافق یا حکم دادگاه ندارد. در مسئله رحم جایگزین معمولاً در مورد نسب پدری اختلاف کمتری وجود دارد، زیرا در اغلب موارد اسپرم متعلق به شوهر است و رابطه ژنتیکی میان پدر و کودک به راحتی قابل اثبات است. در چنین شرایطی، پدر ژنتیکی همان پدر قانونی نیز محسوب می‌شود و ولایت قهری بر کودک خواهد داشت. این ولایت شامل اختیاراتی مانند اداره اموال کودک، انجام معاملات به نمایندگی از او و اتخاذ برخی تصمیمات مهم حقوقی است (صفایی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱). اهمیت ولایت قهری در آن است که کودک تا رسیدن به سن رشد قادر به اداره امور مالی و حقوقی خود نیست و قانون برای حمایت از او، شخصی را به عنوان ولی قانونی تعیین کرده است. اگر نسب پدری به هر دلیل مشخص نباشد یا مورد تردید قرار گیرد، ممکن است اداره امور کودک با مشکل مواجه شود و در چنین شرایطی دادگاه ناچار به تعیین قیم برای طفل خواهد بود. به همین دلیل شفاف بودن وضعیت نسب پدری

نسب میان کودک و والدین برقرار می‌شود، آثاری مانند حضانت، ولایت قهری، نفقه و ارث به طور مستقیم از آن ناشی می‌گردد. به همین دلیل تعیین دقیق نسب در مواردی مانند رحم جایگزین اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا هرگونه ابهام در این زمینه می‌تواند وضعیت حقوقی کودک را با مشکلاتی مواجه کند.

۱. حضانت

یکی از مهم‌ترین آثار نسب در حقوق ایران مسئله حضانت کودک است. حضانت در اصطلاح حقوقی به معنای نگهداری، پرورش و تربیت طفل است و شامل مجموعه‌ای از وظایف مربوط به مراقبت جسمی، روحی و اخلاقی کودک می‌شود. قانون مدنی در ماده ۱۱۶۸ مقرر می‌دارد که نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف والدین است. بنابراین حضانت علاوه بر اینکه حقی برای والدین محسوب می‌شود، تکلیفی قانونی نیز به شمار می‌آید و والدین نمی‌توانند بدون دلیل موجه از انجام آن خودداری کنند. در مورد کودک متولد از رحم جایگزین، تعیین صاحب حق حضانت وابسته به تعیین نسب است. در صورتی که نسب کودک به والدین ژنتیکی تعلق گیرد، حضانت نیز به طور طبیعی به آنان واگذار می‌شود. در چنین حالتی مادر جایگزین تنها نقش حمل جنین را بر عهده داشته است و پس از تولد کودک رابطه حقوقی مادری میان او و کودک برقرار نخواهد شد. بنابراین حقی برای حضانت یا نگهداری کودک نخواهد داشت با این حال، برخی دیدگاه‌ها در فقه و حقوق معتقدند که مادر واقعی همان زن زایمان‌کننده است. بر اساس این دیدگاه، چون زن حامل دوران بارداری را طی کرده و کودک را به دنیا آورده است، ممکن است از نظر حقوقی مادر شناخته شود. اگر چنین نظری پذیرفته شود، ممکن است مادر حامل از حیث حضانت دارای حق تلقی گردد. این امر می‌تواند موجب تعارض میان قرارداد رحم جایگزین و قواعد قانونی مربوط به حضانت شود؛ زیرا حضانت



چنین وضعیتی مادر جایگزین از نظر حقوقی هیچ رابطه توارثی با کودک نخواهد داشت، زیرا رابطه نسبی میان آنان برقرار نشده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۳۵). اهمیت مسئله ارث در این است که آثار مالی قابل توجهی برای کودک ایجاد می‌کند. در صورتی که نسب کودک به طور قطعی مشخص نباشد، ممکن است در آینده اختلافاتی درباره استحقاق ارث به وجود آید. برای مثال اگر مادر حامل مدعی رابطه نسبی با کودک شود، ممکن است در صورت فوت یکی از طرفین اختلافاتی درباره سهم ارث مطرح گردد. در چنین مواردی دادگاه باید با بررسی دلایل علمی، پزشکی و حقوقی درباره وجود یا عدم وجود رابطه نسبی تصمیم‌گیری کند. آثار حقوقی نسب در مسئله رحم جایگزین بسیار گسترده و تعیین‌کننده است. حضانت، ولایت قهری، نفقه و ارث همگی به طور مستقیم به رابطه نسبی میان کودک و والدین وابسته‌اند و هرگونه ابهام در تعیین این رابطه می‌تواند پیامدهای حقوقی و اجتماعی مهمی به همراه داشته باشد. به همین دلیل بسیاری از حقوقدانان بر ضرورت تدوین مقررات روشن در زمینه تعیین نسب و آثار آن در موارد رحم جایگزین تأکید کرده‌اند تا از بروز اختلافات حقوقی در آینده جلوگیری شود.

۵. تأثیر قرارداد رحم جایگزین بر آثار نسب

یکی از پرسش‌های مهم این است که آیا قرارداد منعقد شده میان والدین متقاضی و مادر جایگزین می‌تواند آثار نسب را تعیین یا محدود کند؟ پاسخ غالب در حقوق ایران منفی است. آثار نسب از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی محسوب می‌شود و توافق خصوصی نمی‌تواند آن‌ها را تغییر دهد. به عنوان مثال، نمی‌توان با قرارداد، رابطه ارث را ساقط کرد یا ولایت قهری را به شخص دیگری منتقل نمود، مگر در حدودی که قانون اجازه داده باشد. بنابراین، قرارداد رحم جایگزین تنها می‌تواند تعهدات طرفین را در چارچوب قواعد عمومی قراردادهای تنظیم کند، اما نمی‌تواند برخلاف قواعد

در موارد رحم جایگزین اهمیت زیادی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۳۱).
۳. نفقه

نفقه از دیگر آثار مستقیم نسب در حقوق ایران است. نفقه شامل هزینه‌های ضروری زندگی کودک مانند خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و آموزش است. ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی مقرر می‌کند که نفقه اولاد بر عهده پدر است. این تکلیف ناشی از رابطه نسبی میان پدر و فرزند است و حتی در صورت جدایی والدین یا عدم زندگی مشترک نیز از بین نمی‌رود. در مورد کودک متولد از رحم جایگزین نیز اگر نسب کودک به پدر ژنتیکی تعلق گیرد، تأمین نفقه بر عهده او خواهد بود. پدر مکلف است تمامی هزینه‌های لازم برای زندگی و رشد کودک را تأمین کند و این تکلیف تا زمانی که کودک به استقلال مالی برسد ادامه خواهد داشت (امامی، ۱۳۷۶، ص ۴۰۲). در مقابل، مادر جایگزین در صورتی که از نظر حقوقی مادر کودک شناخته نشود، تکلیفی برای پرداخت نفقه نخواهد داشت. نقش او در این فرایند محدود به دوران بارداری است و پس از تولد کودک رابطه حقوقی خاصی میان او و کودک برقرار نمی‌شود. البته ممکن است در قرارداد میان طرفین، پرداخت هزینه‌های دوران بارداری یا مراقبت‌های پزشکی پیش‌بینی شده باشد، اما این تعهدات ماهیت قراردادی دارند و ارتباطی با تکلیف قانونی نفقه ندارند.

۴. ارث

یکی دیگر از مهم‌ترین آثار نسب در حقوق ایران، مسئله ارث است. ارث رابطه مالی مهمی است که میان خویشاوندان برقرار می‌شود و تنها در صورت وجود رابطه نسبی یا سببی امکان تحقق دارد. ماده ۸۶۱ قانون مدنی بیان می‌کند که موجب ارث دو امر است: نسب و سبب. در صورتی که نسب کودک به والدین ژنتیکی تعلق گیرد، کودک از پدر و مادر خود ارث خواهد برد و آنان نیز در صورت فوت کودک از او ارث می‌برند. در



هر قراردادی باید شرایط اساسی صحت معاملات را که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی آمده است، دارا باشد: قصد و رضا، اهلیت طرفین، موضوع معین و مشروعیت جهت. در قرارداد رحم جایگزین، رضایت آزادانه و آگاهانه مادر جایگزین اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا هرگونه اکراه، اجبار یا سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی وی می‌تواند موجب بطلان یا عدم نفوذ قرارداد شود. همچنین اهلیت طرفین برای انعقاد قرارداد باید احراز گردد؛ به‌ویژه در مورد زوجین متقاضی که باید از نظر قانونی صلاحیت انعقاد چنین توافقی را داشته باشند. از حیث موضوع قرارداد، تعهد اصلی مادر جایگزین، حمل و نگهداری جنین تا زمان تولد و سپس تحویل کودک به والدین متقاضی است. در مقابل، والدین متقاضی متعهد به پرداخت هزینه‌های درمان، مراقبت‌های پزشکی و در برخی موارد مبلغی به عنوان جبران خدمات هستند. موضوع این قرارداد باید معین و قابل اجرا باشد و نباید متضمن امر نامشروع تلقی گردد. در اینجا یکی از مهم‌ترین مباحث، امکان تعارض قرارداد با نظم عمومی و اخلاق حسنه است.

برخی منتقدان بر این باورند که رحم جایگزین ممکن است با کرامت انسانی یا ارزش‌های اخلاقی تعارض داشته باشد، به‌ویژه در مواردی که جنبه تجاری و انتفاعی پیدا کند. اگر قرارداد به‌گونه‌ای تنظیم شود که بدن زن به‌صورت کالایی مورد معامله قرار گیرد، این امر می‌تواند با اصل کرامت انسانی ناسازگار تلقی شود. از این رو، تفکیک میان «رحم جایگزین نوع‌دوستانه» و «رحم جایگزین تجاری» در تحلیل حقوقی اهمیت می‌یابد. در حقوق ایران، به دلیل حساسیت‌های فقهی و اخلاقی، غالباً تلاش می‌شود این قرارداد در قالبی تنظیم شود که از شائبه خرید و فروش انسان یا اعضای بدن به دور باشد.

نکته مهم دیگر آن است که حتی اگر قرارداد از نظر قواعد عمومی معاملات صحیح باشد، نمی‌تواند آثار نسب را تعیین کند. نسب از قواعد آمره و

آمره مربوط به نسب و حقوق کودک اثرگذار باشد. آثار حقوقی نسب در رحم جایگزین نشان می‌دهد که تعیین دقیق نسب، صرفاً یک بحث نظری نیست، بلکه آثار عملی گسترده‌ای بر زندگی کودک دارد. حضانت، ولایت، نفقه و ارث همگی وابسته به شناسایی رابطه نسبی هستند. در عمل، گرایش غالب در حقوق ایران بر انتساب کودک به والدین ژنتیکی است، به‌ویژه زمانی که گامت‌ها متعلق به آنان باشد و نقش مادر جایگزین صرفاً حمل جنین باشد. با این حال، نبود قانون صریح و جامع درباره رحم جایگزین همچنان می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات احتمالی باشد. از این رو، تدوین مقررات روشن درباره آثار نسب در این حوزه می‌تواند نقش مهمی در تضمین امنیت حقوقی کودک و جلوگیری از تعارضات آینده ایفا کند.

ماهیت و اعتبار قرارداد رحم جایگزین در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، قرارداد رحم جایگزین از جمله قراردادهای نوپدیدی است که قانون‌گذار به‌طور صریح درباره آن مقرره‌ای وضع نکرده است، اما در عمل در مراکز درمان ناباروری رواج یافته و میان زوجین نابارور و زن داوطلب حمل جنین منعقد می‌شود. پرسش اصلی آن است که این توافق از نظر حقوقی چه ماهیتی دارد و آیا می‌توان آن را معتبر دانست یا خیر. از منظر حقوق مدنی، نخستین مبنای بررسی اعتبار چنین توافقی ماده ۱۰ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.» این ماده بیانگر اصل آزادی قراردادهاست و به اشخاص اجازه می‌دهد در چارچوب قانون، روابط حقوقی مورد نظر خود را تنظیم کنند. از آنجا که در قوانین ایران نص صریحی مبنی بر ممنوعیت رحم جایگزین وجود ندارد، بسیاری از حقوقدانان با استناد به این ماده، اصل صحت این قرارداد را پذیرفته‌اند، مشروط بر آنکه مخالف قواعد آمره و نظم عمومی نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۰۲). پذیرش اعتبار این قرارداد مطلق نیست.



اما اعتبار آن مطلق و نامحدود نیست. این قرارداد باید شرایط اساسی صحت معاملات را داشته باشد، با نظم عمومی و اخلاق حسنه تعارض نداشته باشد و نمی‌تواند قواعد آمره مربوط به نسب و حقوق کودک را تغییر دهد. خلأ قانون‌گذاری صریح در این حوزه همچنان موجب ابهاماتی در تحلیل ماهیت دقیق و حدود اعتبار این قرارداد شده و ضرورت تدوین مقررات روشن و جامع را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

چالش‌های قانون رحم جایگزین در حقوق ایران
چالش‌ها و خلأهای قانونی مربوط به رحم جایگزین در حقوق ایران عمدتاً ناشی از نبود قانون جامع و صریح در این حوزه است. پیشرفت‌های پزشکی در حوزه درمان ناباروری باعث شده روش‌های کمک‌باروری از جمله رحم جایگزین در سال‌های اخیر به‌طور گسترده در کشور مورد استفاده قرار گیرد، اما نظام حقوقی ایران هنوز چارچوب قانونی مشخصی برای تنظیم تمامی ابعاد این پدیده نوظهور ارائه نکرده است. در نتیجه، بسیاری از مسائل حقوقی مربوط به این موضوع از طریق تفسیر قواعد عمومی حقوق مدنی، فقه اسلامی و در برخی موارد از طریق رویه قضایی حل‌وفصل می‌شود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، نبود تعریف قانونی روشن از رحم جایگزین است. در قوانین ایران اصطلاح «رحم جایگزین» به‌طور مستقیم مورد اشاره قرار نگرفته است. تنها قانونی که به‌طور غیرمستقیم به برخی از روش‌های کمک‌باروری پرداخته، قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ است که آن نیز بیشتر به انتقال جنین اهدایی مربوط می‌شود و درباره رحم جایگزین حکمی ندارد. این خلأ قانونی سبب شده است که بسیاری از مسائل عملی، مانند وضعیت حقوقی مادر حامل، تعهدات طرفین قرارداد و نحوه ثبت هویت کودک، با ابهام مواجه باشد. یکی دیگر از مسائل مهم، وضعیت تعیین مادر قانونی کودک است. در

مرتبط با نظم عمومی است و اراده اشخاص در ایجاد یا سلب آن نقش تعیین‌کننده ندارد. به بیان دیگر، طرفین نمی‌توانند صرفاً با توافق، شخصی را پدر یا مادر قانونی کودک اعلام کنند، بلکه این امر تابع ضوابط قانونی و فقهی مربوط به نسب است. بنابراین، قرارداد رحم جایگزین بیشتر ناظر بر تعهدات رفتاری و مالی طرفین است و در تعیین وضعیت نسب، نقش مستقیم و قطعی ندارد.

از منظر فقهی نیز بسیاری از فقها در صورتی که اسپرم و تخمک متعلق به زوجین قانونی باشد، اصل فرایند را مجاز دانسته‌اند، مشروط بر آنکه مستلزم ارتکاب فعل حرامی نباشد. در چنین فرضی، قرارداد می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای اجرای یک اقدام درمانی تلقی شود، نه معامله بر سر کودک. همین تحلیل فقهی زمینه را برای پذیرش نسب ژنتیکی و در نتیجه پذیرش عملی قرارداد فراهم کرده است (صفایی، ۱۳۹۳، ص ۶۶). در عمل، دادگاه‌ها نیز در مواردی که اختلافی مطرح شده، بیشتر به سمت شناسایی حقوق والدین ژنتیکی گرایش داشته‌اند، به‌ویژه زمانی که مدارک پزشکی و توافق کتبی طرفین موجود بوده است. با این حال، نبود قانون خاص موجب شده است که رویه قضایی کاملاً یکنواخت نباشد و امکان تفسیرهای متفاوت وجود داشته باشد.

از حیث مسئولیت مدنی نیز اگر هر یک از طرفین به تعهدات خود عمل نکنند، طرف دیگر می‌تواند بر اساس قواعد عمومی مسئولیت قراردادی مطالبه خسارت کند. برای مثال، اگر مادر جایگزین پس از تولد از تحویل کودک خودداری کند، یا اگر والدین متقاضی از پرداخت هزینه‌های توافق‌شده امتناع ورزند، امکان طرح دعوا بر مبنای نقض قرارداد وجود دارد. البته در این موارد نیز دادگاه باید همواره مصلحت کودک را در نظر بگیرد و نمی‌تواند صرفاً بر اساس مفاد قرارداد تصمیم بگیرد. قرارداد رحم جایگزین در حقوق ایران بر پایه اصل آزادی قراردادهای قابل توجیه است،



یکی دیگر از خلأهای مهم در حقوق ایران، نبود مقررات مشخص درباره ثبت هویت کودک است. پس از تولد کودک از رحم جایگزین، باید مشخص شود نام چه کسانی به عنوان والدین در اسناد رسمی ثبت خواهد شد. در برخی موارد، با توجه به مدارک پزشکی و توافق طرفین، نام زوجین متقاضی در شناسنامه کودک ثبت می‌شود، اما این موضوع همواره بر پایه رویه اداری انجام می‌گیرد و قانون مشخصی برای آن وجود ندارد. در نتیجه، اگر اختلافی میان مادر حامل و والدین ژنتیکی ایجاد شود، تعیین وضعیت هویتی کودک می‌تواند با مشکلات حقوقی جدی مواجه شود.

همچنین وضعیت تابعیت کودک در مواردی که رحم جایگزین با عناصر خارجی همراه باشد، یکی دیگر از مسائل پیچیده است. برای مثال، ممکن است زوجین متقاضی تابعیت کشور دیگری داشته باشند یا مادر حامل از اتباع خارجی باشد. در چنین شرایطی، نبود مقررات مشخص می‌تواند مشکلاتی در زمینه تعیین تابعیت کودک ایجاد کند. این مسئله در برخی کشورها موجب بروز دعاوی پیچیده در سطح بین‌المللی شده است.

از سوی دیگر، نبود نظام نظارتی منسجم بر فعالیت مراکز درمان ناباروری نیز از جمله چالش‌های موجود محسوب می‌شود. هرچند این مراکز تحت نظارت وزارت بهداشت فعالیت می‌کنند، اما مقررات اختصاصی درباره نحوه تنظیم قراردادهای رحم جایگزین یا حمایت حقوقی از طرفین به طور کامل تدوین نشده است. در نتیجه، بسیاری از مسائل به توافق خصوصی میان افراد واگذار می‌شود که ممکن است در برخی موارد به اختلافات حقوقی منجر شود.

در مجموع، می‌توان گفت که مهم‌ترین مشکل در حوزه رحم جایگزین در حقوق ایران، فقدان قانون جامع و شفاف است. این خلأ موجب شده است که مسائل مهمی مانند تعیین نسب، اعتبار قراردادهای ثبت هویت کودک و حمایت از مادر جایگزین به طور دقیق مشخص نشود. با توجه به افزایش

روش رحم جایگزین، معمولاً سه نقش متفاوت وجود دارد: مادر ژنتیکی (صاحب تخمک)، مادر حامل (زن باردارکننده) و مادر اجتماعی یا پرورشی. در حقوق سنتی، این سه نقش در یک شخص جمع می‌شد، اما فناوری‌های جدید باروری این ساختار را تغییر داده‌اند. در حقوق ایران، به دلیل نبود مقررات صریح، این پرسش مطرح است که آیا مادر واقعی کسی است که کودک را به دنیا آورده یا زنی که تخمک از او گرفته شده است. این مسئله می‌تواند آثار حقوقی مهمی در زمینه حضانت، ارث و سایر روابط خانوادگی ایجاد کند.

چالش دیگر مربوط به اعتبار و حدود قراردادهای رحم جایگزین است. همان‌گونه که در عمل مشاهده می‌شود، پیش از انجام فرایند درمانی، توافقی میان زوجین متقاضی و زن حامل منعقد می‌شود. این قراردادها معمولاً شامل تعهدات طرفین، نحوه پرداخت هزینه‌ها و شرایط تحویل کودک پس از تولد است. با وجود این، به دلیل آنکه قانون‌گذار مقررات خاصی درباره این قراردادهای وضع نکرده است، همواره این پرسش مطرح است که در صورت بروز اختلاف، دادگاه تا چه اندازه می‌تواند به مفاد قرارداد استناد کند. از آنجا که مسائل مربوط به نسب و حقوق کودک از قواعد آمره محسوب می‌شود، ممکن است برخی مفاد قرارداد در تعارض با نظم عمومی تلقی گردد.

از منظر اجتماعی نیز نگرانی‌هایی درباره امکان سوءاستفاده از زنان آسیب‌پذیر وجود دارد. در برخی موارد ممکن است زنان به دلیل مشکلات اقتصادی حاضر شوند به عنوان مادر جایگزین عمل کنند. اگر نظارت قانونی کافی وجود نداشته باشد، احتمال شکل‌گیری نوعی بهره‌کشی از بدن زنان وجود دارد. نبود مقررات دقیق درباره شرایط انتخاب مادر جایگزین، نحوه نظارت پزشکی و حدود پرداخت‌های مالی می‌تواند این نگرانی‌ها را تشدید کند.



جمله اینکه حداقل یکی از والدین متقاضی باید با کودک رابطه ژنتیکی داشته باشد. همچنین رضایت آزادانه مادر جایگزین برای انتقال وضعیت والدینی ضروری است. این رضایت باید پس از تولد کودک اعلام شود تا اطمینان حاصل شود که مادر حامل تحت فشار یا اجبار قرار نگرفته است. دادگاه نیز در بررسی درخواست همواره مصلحت کودک را در اولویت قرار می‌دهد.

نکته مهم دیگر در حقوق انگلیس ممنوعیت رحم جایگزین تجاری است. بر اساس قانون ۱۹۸۵ Surrogacy Arrangements Act، انعقاد قراردادهای تجاری برای رحم جایگزین مجاز نیست و هیچ شخص یا مؤسسه‌ای نمی‌تواند از طریق واسطه‌گری در این زمینه کسب سود کند. با این حال، پرداخت هزینه‌های معقول مرتبط با بارداری و مراقبت‌های پزشکی مجاز شناخته شده است. هدف از این محدودیت جلوگیری از تبدیل رحم جایگزین به یک فعالیت تجاری و حفظ کرامت انسانی زنان است.

در زمینه حمایت از کودک، نظام حقوقی انگلیس بر اصل «منافع عالی» کودک تأکید ویژه‌ای دارد. این اصل که در بسیاری از تصمیمات قضایی مورد توجه قرار می‌گیرد، ایجاب می‌کند که در هر تصمیم مربوط به کودک، رفاه و منافع او در اولویت قرار گیرد. بنابراین، دادگاه‌ها هنگام صدور دستور والدینی یا رسیدگی به اختلافات احتمالی میان طرفین، پیش از هر چیز به وضعیت زندگی و آینده کودک توجه می‌کنند. قانون انگلیس همچنین تلاش کرده است از بروز اختلافات احتمالی میان مادر جایگزین و والدین متقاضی جلوگیری کند. به همین دلیل، توافقاتی مربوط به رحم جایگزین در این کشور از نظر حقوقی الزام‌آور محسوب نمی‌شوند. یعنی اگر مادر جایگزین پس از تولد کودک از تحویل او خودداری کند، قرارداد به‌تنهایی نمی‌تواند او را مجبور به این کار کند. در

استفاده از روش‌های کمک‌باروری، به نظر می‌رسد تدوین مقررات روشن و جامع در این زمینه برای حمایت از حقوق کودک، والدین متقاضی و مادر جایگزین ضروری باشد.

حمایت از کودک متولد از رحم جایگزین در حقوق انگلیس این کشور یکی از نظام‌های حقوقی است که تلاش کرده با وضع مقررات مشخص، وضعیت حقوقی این پدیده را ساماندهی کند. در حقوق انگلیس، مسئله رحم جایگزین عمدتاً در چارچوب قانون Human Fertilisation and Embryology Act تنظیم شده است که نخستین بار در سال ۱۹۹۰ تصویب شد و در سال ۲۰۰۸ اصلاح گردید. این قانون تلاش کرده است تعادلی میان پیشرفت‌های پزشکی، حمایت از حقوق کودک و ملاحظات اخلاقی ایجاد کند.

یکی از اصول اساسی در حقوق انگلیس آن است که زن زایمان‌کننده در زمان تولد، مادر قانونی کودک محسوب می‌شود. این قاعده حتی در مواردی که تخمک متعلق به زن دیگری باشد نیز اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، در لحظه تولد، مادر حامل از نظر حقوقی مادر کودک است. این رویکرد برای جلوگیری از ابهام در وضعیت حقوقی کودک اتخاذ شده است، زیرا زایمان یک واقعیت قابل اثبات و روشن محسوب می‌شود.

با این حال، قانون انگلیس سازوکاری را پیش‌بینی کرده است که از طریق آن والدین متقاضی می‌توانند پس از تولد کودک، وضعیت قانونی خود را تثبیت کنند. این سازوکار «دستور والدینی» نام دارد. والدین متقاضی می‌توانند با مراجعه به دادگاه درخواست صدور چنین دستوری را مطرح کنند. در صورتی که شرایط قانونی فراهم باشد، دادگاه می‌تواند آنان را به عنوان والدین قانونی کودک شناسایی کند و تمامی حقوق و مسئولیت‌های والدینی را به آنان منتقل نماید.

برای صدور دستور والدینی شرایط خاصی در نظر گرفته شده است. از



ضرورت حمایت از حقوق و منافع کودک تأکید دارند، اما شیوه تحقق این حمایت در آن‌ها متفاوت است. در نظام حقوقی ایران، با وجود پذیرش نسبی برخی روش‌های کمک‌باروری و اتکای حقوق دانان به مبانی فقهی و قواعد عمومی حقوق مدنی، هنوز قانون جامع و مستقلی درباره رحم جایگزین تصویب نشده است. این خلأ قانونی باعث شده است که مسائل مهمی مانند تعیین والدین قانونی، نحوه ثبت هویت کودک، مسئولیت‌های حقوقی طرفین و چگونگی حل اختلافات احتمالی با ابهاماتی همراه باشد. در چنین شرایطی، دادگاه‌ها ناگزیرند با تفسیر قواعد موجود و بهره‌گیری از نظریات فقهی، راه‌حلهایی برای این مسائل ارائه دهند که این امر ممکن است در مواردی به تفاوت در تصمیمات قضایی منجر شود.

در مقابل، نظام حقوقی انگلیس با وضع مقررات مشخص در زمینه فناوری‌های کمک‌باروری و رحم جایگزین، چارچوب نسبتاً روشنی برای تعیین وضعیت حقوقی کودک و والدین فراهم کرده است. وجود سازوکارهایی مانند صدور دستور والدینی از سوی دادگاه، این امکان را فراهم می‌کند که پس از تولد کودک، وضعیت والدینی به‌طور رسمی و قانونی به والدین متقاضی منتقل شود. این امر علاوه بر کاهش اختلافات احتمالی، موجب می‌شود هویت و جایگاه حقوقی کودک با وضوح بیشتری تعیین گردد و حقوق او بهتر تضمین شود.

از مقایسه این دو نظام می‌توان دریافت که وجود مقررات جامع و شفاف نقش مهمی در حمایت مؤثر از کودکان متولد از رحم جایگزین دارد. هرچه قواعد حقوقی دقیق‌تر و روشن‌تر باشند، امکان بروز اختلافات و مشکلات حقوقی کاهش یافته و منافع کودک بهتر تأمین می‌شود. بر همین اساس، به نظر می‌رسد تدوین قانون جامع در حقوق ایران که به‌طور خاص به موضوع رحم جایگزین و وضعیت حقوقی کودک متولد از آن بپردازد، می‌تواند گامی مهم در جهت رفع ابهامات موجود و تضمین حمایت مؤثر

چنین مواردی دادگاه با در نظر گرفتن منافع کودک تصمیم‌گیری می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که در حقوق انگلیس، قرارداد خصوصی نمی‌تواند بر مصلحت کودک یا اصول اساسی حقوق خانواده غلبه کند. از نظر ثبت هویت نیز پس از صدور دستور والدینی، نام والدین متقاضی در شناسنامه کودک ثبت می‌شود و آنان از نظر قانونی به عنوان پدر و مادر کودک شناخته می‌شوند. در این مرحله، تمامی حقوق و تکالیف والدینی به آنان منتقل می‌شود و رابطه حقوقی مادر جایگزین با کودک پایان می‌یابد.

در سال‌های اخیر، مباحث گسترده‌ای درباره اصلاح قوانین رحم جایگزین در انگلیس مطرح شده است. برخی حقوق‌دانان معتقدند که روند صدور دستور والدینی باید ساده‌تر شود و وضعیت حقوقی والدین متقاضی از همان زمان تولد روشن گردد. با این حال، قانون‌گذار همچنان تلاش می‌کند تعادلی میان حمایت از کودک، احترام به حقوق مادر جایگزین و جلوگیری از تجاری شدن این فرایند برقرار کند.

در مجموع، تجربه حقوق انگلیس نشان می‌دهد که وجود مقررات روشن می‌تواند تا حد زیادی از بروز اختلافات حقوقی جلوگیری کند و امنیت حقوقی بیشتری برای کودک فراهم آورد. پیش‌بینی سازوکارهایی مانند دستور والدینی، ممنوعیت رحم جایگزین تجاری و تأکید بر مصلحت کودک از جمله ابزارهایی است که این نظام حقوقی برای حمایت از کودکان متولد از این روش به کار گرفته است. بررسی این تجربه می‌تواند برای نظام حقوقی ایران نیز مفید باشد و به قانون‌گذار در تدوین مقررات مناسب در زمینه رحم جایگزین کمک کند.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی حمایت حقوقی از کودکان متولد از رحم جایگزین در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی بر



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



زمینه حمایت بهتر از منافع عالیه کودک و حفظ نظم حقوقی در این حوزه
را فراهم سازد.

از این کودکان باشد. چنین مقرراتی می‌تواند با تعیین دقیق حقوق و
تکالیف طرفین، نحوه ثبت هویت کودک و سازوکارهای حل اختلاف،



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

DRJI
Directory of Research Journals Indexing

ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



Jackson, E. (۲۰۱۶). Medical Law: Text, Cases, and ۵

Materials. Oxford University Press

McLean, S., & McCall Smith, A. (۲۰۱۳). Rethinking Law ۶

and Ethics in Medicine. Routledge

Scott, R., & Williams, C. (۲۰۱۷). Medical Law and Ethics ۷

Oxford University Press

قوانین

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.

قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲.

منابع

۱. امامی، سید حسن. (۱۳۷۶). حقوق مدنی، جلد پنجم: نکاح و طلاق. تهران: اسلامیه.

۲. صفایی، سید حسین. (۱۳۹۳). حقوق خانواده. تهران: میزان.

۳. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۷. حقوق مدنی: خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۴. Horsey, K., & Rackley, E. (۲۰۱۵). Tort Law. Oxford University Press